

سوره یازدهم - هود

این سوره در مکه نازل شده و ۱۲۳ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

الف. لام. را. (از حروف مقطعه قرآن) کتابی است که آیه‌های آن با دلایل استوار گشته و از جانب خدای فرزانه و آگاه تفصیل داده شده است. که به جز خدا کسی یا چیزی را نپرستید. من از سوی او برای شما بیم‌دهنده و نویدآورنده می‌باشم. از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به سوی او بازگردید. او شما را تا مهلت معینی به متاع و نعمت‌های نیکو بهره‌مند گرداند و پاداش هر صاحب فضل را از راه تفضل عنایت نماید. پس اگر از او روی برگردانید در این صورت من از عذاب روز بزرگ (قیامت) بر شما بیمناکم! بازگشتن به سوی خدا است و او بر هر کاری توانا است. (۱ - ۴)

بدان که (منافقان) آن چه کینه در دل دارند پوشیده می‌دارند تا از خدا پنهان نمایند. آگاه باش وقتی آنها برای مخفی کردن خویش جامه خود را به سر می‌کشند خدا، آن چه را که نهان دارند یا آشکار می‌نمایند، می‌داند. زیرا او بدان چه در سینه‌ها است دانا است. (۵) هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آن که روزی‌اش بر خدا است و خدا قرارگاه و امانتگاه آنها را می‌داند. همه اینها در کتاب مبین ثبت است. او خدائی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب قرار داشت تا شما را بیازماید که عمل کدامتان بهتر است و اگر (به مردمان) بگوئی که شما بعد از مرگ برانگیخته می‌شوید کسانی که کفر ورزیدند گویند این‌جز جادوی آشکار نیست! و اگر عذاب را تا مدت معدودی از آنان بازداریم گویند موجب بازداشتن آن چیست؟ بدانید روزی که عذاب فرا رسد از آنان بازگردانده نشود و آن چه استهزایش می‌کردند آنان را فرا گیرد! (۶ - ۸)

اگر از جانب ما بر انسان رحمتی عطا شود و بعد آن را از او باز پس گیریم نومید و ناسپاس گردد! و اگر بعد از سختی و زیان نعمتی بدو عطا نمائیم حتماً گوید بدی‌ها از من دور شد. و شادمان و مفتخر گردد! مگر کسانی که صبر پیش گیرند و کارهای نیکو انجام دهند که بر آنان آمرزش و پاداش بزرگ است. (۹ - ۱۱)

شاید برخی از آن چه را که بر تو وحی شده ترک کنی (و ابلاغ ننمایی) و سینه‌ها از آن تنگ شود که گویند چرا بر او گنجی نازل نشده و یا فرشته‌ای برای گواهی آیات بر وی نیامده است! تو تنها بیم‌رسانی و خدا است که مراقب همه می‌باشد. یا به افترا بگویند که قرآن را خودش ساخته است به آنها بگو اگر راست می‌گوئید شما هم ده سوره ساخته شده مثل آن بیاورید و جز خدا هر که را هم که توانید برای یاری خود بخوانید! پس اگر دعوت شما را اجابت نکرد بدانید آن چه بر شما نازل شده به علم خدا است و این که جز او معبودی نیست. پس آیا بر حکم الهی گردن می‌نهدید؟! (۱۲ - ۱۴)

هر کسی که زندگی دنیا و زینت آن را خواهد در دنیا جزای عملشان را به تمام می‌دهیم و در آنجا از مزد اعمالشان چیزی کم نشود. آنها کسانی هستند که در آخرت جز آتش نصیبی ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند تباہ می‌شود و اعمالشان باطل می‌گردد! (۱۵ - ۱۶)

آیا کسی که از جانب خدایش دلیل روشنی (مانند قرآن) دارد و شاهی از خود او آن را ۱. اشاره به بعضی آیات است که در آنها از بت‌های مشرکان ابراز تنفر شده و ممکن بود پیامبر هر آینه برای دفع شر یا ترس از مشرکان در ابلاغ آنها دو دل باشد. می‌فرماید وظیفه تو بیم دادن است و خدا مراقب همه می‌باشد.

تلاوت نماید، و پیش از آن کتاب موسی (تورات هم) که پیشوا و رحمتی بود (به او بشارت داده) و به آن ایمان آورده‌اند و (با این حال) هر کس از احزاب بدان کفر ورزد و عده‌گاهش آتش دوزخ باشد. در آن هیچ شک مدار که این وعده قطعی پروردگار است ولیکن مردم به آن ایمان نمی‌آورند. (۱۷)

چه‌کسی ظالم‌تر از آن کس است که به دروغ بر خدا افترا بزند. آنها بر پروردگارشان عرضه شوند و شاهدان گویند اینانند که بر پروردگارشان دروغ بستند. بدانید که لعنت خدا بر ستمگاران است! آن کسان که مردم را از راه خدا باز می‌دارند و سعی می‌کنند که راه حق را کج کرده مردم را به راه باطل بکشانند و آنان به آخرت باور ندارند! آنها هیچ قدرت در زمین ندارند و جز خدا یار و یآوری برایشان نباشد. عذاب به آنان دو چندان می‌شود و شنیدن نتوانند و بینائی ندارند! آنها کسانی‌اند که بر خودشان زیان زدند و هر دروغ که بستند و هر حیل و تدبیر که به کار بردند از آنان گم شد! لاجرم آنها در آخرت زیانکارترند. (ولیکن) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و بر پروردگارشان خاضع و خاشع گشتند آنان اهل بهشتند و در آن جاویدان بمانند. مثل این دو گروه مثل شخص کور و کر و شخص بینا و شنواست. آیا این دو به‌مثل یکسانند؟ پس چرا پند نمی‌گیرید؟! (۱۸ - ۲۴)

همانا نوح را به رسالت به سوی قومش فرستادیم. (گفت) من بر شما بیم‌دهنده آشکارم جز خدا کسی را نپرستید که من از عذاب روز بزرگ (رستاخیز) بر شما بیم دارم! بزرگان بی‌ایمان قوم گفتند تو را جز بشری مانند خود نمی‌بینیم. و نمی‌بینیم که جز فرومایگان ظاهر بین ما کسی از تو پیروی کند. و شما را بر خودمان صاحب فضیلتی مشاهده نمی‌کنیم بلکه شما را از دروغ‌گویان می‌پنداریم! گفت ای قوم چه بینید اگر من از جانب پروردگارم بر دلیل و حجتی باشم و او از سوی خویش رحمتی بر من عطا کرده باشد که بر شما پوشیده باشد چگونه شما را بدان ملزم کنم؟ در حالی که شما بدان کراهت نشان دهید! ای قوم! من بر این دعوت از شما مالی نمی‌خواهم. اجر و پاداش من جز بر عهده خدا نیست و من هرگز کسانی را که ایمان آورده‌اند از خود نمی‌رانم که آنها به پیشگاه پروردگارشان روانند ولیکن شما را مردمی جهالت‌پیشه می‌یابم!

و ای قوم! من اگر آنها را از خود برانم در مقابل (غضب) خدا چه کسی مرا یاری می‌کند؟ چرا پند نمی‌گیرید؟! من به شما نمی‌گویم که خزائن خدا نزد من است و، نه مدعی آنم که غیب می‌دانم و، نه می‌گویم من فرشته‌ام، و نمی‌گویم خدا به کسانی، که چشم‌های شما به خواری در آنها می‌نگرد، خیر و فضیلتی نمی‌دهد. خدا بهتر داند که در دل‌های آنها چه می‌گذرد در این صورت بی‌گمان من از ستمگاران خواهم بود! (۲۵ - ۳۱)

گفتند ای نوح با ما جدل کردی و جدال ما را بسیار نمودی اگر راست می‌گوئی آنچه را که به ما و هده داده‌ای بیار! گفت اگر خدا خواهد البته آن را بر شما بیاورد و شما عاجز‌کنندگان نیستید. اگر مشیت خدا بر گمراهی شما باشد من هر چه بر شما نصیحت کنم بر شما سود ندهد. او پروردگار شما است و همه بدو بازگردید. (۳۲ - ۳۴)

آیا می‌گویند که تو از پیش خود سخنانی فرا بافته‌ای؟ بگو اگر من آن را بافته باشم عقوبت گناه آن بر من است نه بر شما. و من از کفر و گناه شما بیزارم! (۳۵)

به نوح وحی شد که به جز آنهایی که قبلاً به تو ایمان آورده‌اند کسی از قوم تو ایمان نخواهد آورد. پس بر کفر و عصیان آنها اندوهگین مباش و با مراقبت و دستور ما کشتی

۱. بزرگان قوم گفتند تو این ارازل را از خود بران تا مابه جای آنها با تو ایمان آوریم. گفت آنها ارازل نیستند کسانی‌اند که رو به سوی پروردگارشان آورده‌اند و من هرگز آنها را نرانم.

را بساز و با من در مورد کسانی که حتماً غرق خواهند شد سخن مگوی! (۳۶ - ۳۷)
 او کشتی را همی ساخت و هر بار که بزرگان قومش بر وی می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند. او به آنان می‌گفت اگر شما ما را تمسخر کنید بی‌گمان ما شما را، بدان گونه که ما را استهزاء می‌کنید، تمسخر خواهیم نمود! به زودی بدانند که بر چه کسی عذاب خواهد آمد تا او را خوار گرداند و عذاب دائم بر وی فرود آید. (۳۸ - ۳۹)

تا این که فرمان ما آمد و آب از تنور جوشید. به نوح گفتیم که از هر نوعی (از حیوانات) دو تن بردار و کسان خود را، با استثنای آن که قبلاً در موردش سخن رفته است، و نیز آنهایی را که ایمان آورده‌اند بر آن سوار کن. عده این ایمان آوردگان کم بود! نوح به آنان گفت سوار شوید که رفتن و ایستادن آن به نام خدا است. بی‌گمان پروردگار من آمرزگار مهربان می‌باشد! کشتی آنها را در میان موج‌هایی چون کوه می‌برد. نوح پسر خود را که در کناری ایستاده بود بانگ زد و گفت ای پسرک من! با ما سوار شو و از کافران مباش. او جواب داد به زودی به بالای کوه پناه می‌برم و آن مرا از آب نجات می‌دهد. نوح گفت امروز جز رحمت الهی هیچکس را از قهر پروردگار نجات دهنده‌ای نیست. (در این احوال) موج بین آنها حائل شد و پسر از غرق شدگان گردید. (۴۰ - ۴۳)

(خطاب رسید) ای زمین آب خود را فرو بر! و ای آسمان باران را بازدار! آب فرو شد و فرمان انجام‌یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و گفته‌شد بر ستمگاران دوری‌باد! (۴۴)
 نوح پروردگارش را ندا داد و گفت پروردگارا! پسر من از خاندان من است و بی‌گمان وعده تو حق می‌باشد و تو عادلترین حکم‌کنندگانی! خطاب رسید ای نوح! او از خاندان تو نیست او صاحب کرداری ناشایسته است پس از من چیزی را که علم نداری مخواه. بر تو پند می‌دهم که از جاهلان نباشی! گفت پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که آن چه را که علم و اطلاع ندارم از تو نخواهم و اگر نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود! (۴۵ - ۴۷)

خطاب‌رسید ای نوح! با سلامتی از جانب ما فرود آی و برکاتی بر تو و گروه‌هایی از آنها که با تو اند و امت‌هایی که به‌زودی آنها را بر خوردار کنیم. و امت‌هایی که (خودسر و ستمگر شوند) پس از آن که آنها را بهره‌مند گردانیم عذاب دردناکی از جانب ما به آنان برسد! (۴۸)
 (ای محمد) اینها از خبرهای غیب است که بر تو وحی می‌کنیم. تو و طایفه‌ات قبلاً آنها را نمی‌دانستید. پس شکیبائی کن. بی‌گمان عاقبت نیکو از آن پرهیزکاران است. (۴۹)

بر طایفه عاد برادرشان هود را فرستادیم. گفت ای قوم! خدا را بپرستید جز او معبودی برای شما نیست. شما افترا کنندگانی بیش نیستید! ای قوم! من از شما برای این رسالت اجری نمی‌خواهم. اجر و مزد من جز بر کسی که مرا آفریده نیست. آیا نمی‌اندیشید؟! ای قوم از پروردگارتان آمرزش بخواهید و توبه کرده به سوی او بازگردید تا از آسمان برای شما رحمت پیاپی نازل گرداند و بر قدرت و توان شما بیفزاید. مبادا گناهکاران را پیروی کنید! (۵۰ - ۵۲)

گفتند ای هود! تو برای ما دلیل روشنی نیاورده‌ای و ما هرگز با گفته‌تو خدایان خود را ترک نمی‌کنیم و به تو ایمان نمی‌آوریم! تنها چیزی که درباره‌تو می‌گوئیم این است که برخی از خدایان ما بر تو آسیبی رسانیده‌اند. هود گفت من خدا را به گواهی می‌خوانم و شما هم شهادت بدهید که من از آنچه شما بر خدا شریک قرار می‌دهید بیزارم! جز خدا تمامی شما هر مکر و تدبیری درباره‌تو من دارم بدون هیچ مهلتی انجام دهید! من بر خدا که پروردگار من و شما است، توکل کرده‌ام که زمام اختیار هر جنبنده‌ای در دست او است. به راستی که

(هدایت) پروردگار من به راه راست است. پس اگر روی برگردانید همانا من آن چه را که با آنها به سوی شما فرستاده شده‌ام ابلاغ کردم پروردگار من گروه دیگری را جانشین شما می‌گرداند و شما هیچ زیانی بدو نتوانید بزنید زیرا پروردگار من بر همه حافظ و نگاهبان است. (۵۳ - ۵۷)

و چون دستور ما آمد با فضل و رحمت خویش هود و کسانی را که به او ایمان آورده بودند نجات دادیم و از عذاب بسیار سخت ایمن داشتیم! و همین قوم عاد بودند که آیات الهی را انکار کردند و بر فرستادگانشان عصیان نمودند و دستور هر ستمگر سرکش را پیروی کردند! آنها در این دنیا و در آخرت به لعنت خدا گرفتار آیند. بدانید که قوم عاد بر پروردگارشان کفر ورزیدند و آگاه باشید عادیان را، که قوم هود بودند، از رحمت خدا دوری باد! (۵۸ - ۶۰)

و بر قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم. او به آنان گفتای قوم من! خدا را بپرستید. جز او معبودی برای شما نیست. او خدائی است که شما را از خاک آفرید و شما را در زمین زندگی داده بر عمران و آبادانی آن برگماشت. پس از او آمرزش بخواهید. و روی به درگاه او آورده توبه کنید. بی‌گمان پروردگار من به همه نزدیک است و دعای خلق را اجابت می‌کند!

گفتند ای صالح! تو پیش از این در میان ما مایه امید بودی. آیا ما را از عبادت بدانچه که پدران ما می‌پرستیدند باز می‌داری؟ ما از چیزی که بدان دعوتمان می‌کنی در شگیم و بدگمان می‌باشیم. گفت ای قوم من! چه می‌دانید اگر من دارای دلیل و حجتی از پروردگارم باشم و از جانب خویش بر من فضل و رحمتی بدهد پس اگر من بر او عصیان و ناراحتی کنم کیست که در برابر خشم و قهر او مرا یاری دهد؟ و شما جز زیان چیزی بر من نخواهید افزود! ای قوم! این ناقه خدا آیتی است بر شما. بگذارید که در زمین خدا بچرد و آسیبی بدو نرسانید که به عذاب نزدیکی گرفتار آید! ولی آنها آن ناقه را پی کردند و صالح به آنان گفت سه روز در خانه‌های خود برخوردار شوید. این وعده دروغین نیست! و چون فرمان ما آمد صالح و کسانی را که با وی ایمان آوردند به فضل و رحمت خویش نجات دادیم و از رسوائی روز قیامت ایمن داشتیم. به راستی که پروردگار تو مقتدر و توانا است! و کسانی را که ستم کرده بودند صیحه درگرفت و بامدادان در خانه‌های خود مرده افتادند! گوئی که آنها هرگز در آنجا ساکن نبوده‌اند. آگاه باشید که قوم ثمود بر پروردگارشان کفر ورزیدند. همانا ثمودیان به سبب این کفر از رحمت ابدی خدا به دور باشند! (۶۱ - ۶۸)

همانا فرستادگان ما با بشارت پیش ابراهیم آمدند. سلام گفتند. او (نیز) سلام گفت و طولی نکشید که گوساله بریان شده‌ای برای آنها آورد. و چون دید آنها دست به سوی طعام نمی‌برند آنها را (همچون انسان‌ها) نشناخت و در دل خویش ترسی گرفت. گفتند نترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم. زنش ایستاده بود خندید. پس او را به اسحق و بعد از وی به یعقوب بشارت دادیم! گفت ای‌وای بر من! چگونه من فرزندی آورم در حالی‌که پیرزنم و این شوهر من نیز پیر است؟ بی‌گمان این بسیار تعجب‌آور است! گفتند مگر تو در کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا شامل شما اهل بیت است. همانا که او ستوده خصال و بزرگواری می‌باشد. (۶۹ - ۷۳)

و چون ترس از ابراهیم رفت و بشارت جای آن را گرفت شروع به مجادله و التماس با ما در حق قوم لوط نمود زیرا ابراهیم بسیار حلیم و بردبار بود و از درگاه خدا درباره خویش و دیگران آمرزش می‌طلبید! گفتند ای ابراهیم! از این درخواست درگذر زیرا فرمان

پروردگارت صادر شده است و بر آنان عذابی غیرقابل برگشت خواهد رسید! (۷۴ - ۷۶)
و وقتی فرستادگان ما پیش قوم لوط آمدند او (برای قوم خویش) پریشان خاطر گشت و دل‌تنگ شد و گفت روز بسیار سختی است! و قوم او با شتاب به سوی خانه وی آمدند. آنها از پیش هم مرتکب کارهای زشت می‌شدند. لوط به آنها گفت ای قوم! این دخترهای من هستند و آنها برای شما پاکیزه‌ترند. از خدا بترسید و مرا پیش مهمان‌هایم خوار ننمائید^۱. آیا در بین شما یک مرد رسید نیست؟!

گفتند تو می‌دانی که ما را رغبتی به دختران تو نیست و تو به خوبی می‌دانی که ما چه می‌خواهیم! لوط گفت ای کاش مرا برای جلوگیری و منع شما قدرت و توانائی بود. یا می‌توانستیم از شرّ شما به جای محکمی پناه می‌بردم. (۷۷ - ۸۰)

(مهمان‌ها) گفتند ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم. دست آزار آنها هرگز به تو نرسد. پس خانواده‌ات را شبانه از این دیار ببر و هیچیک از آنها نباید به پشت بنگرند مگر همسرت. که او را هم از عذابی که بر قوم می‌رسد خواهد رسید. همانا وعده گاه عذاب آنها صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟! (۸۱)

و چون دستور ما رسید آنجا را زیر و رو ساختیم و باران سنگی، که از گل بود بر آن بارانیدیم! سنگ‌های نشان‌دار نزد پروردگارت. و این (عذاب و بلا) از ظالمان دور نمی‌باشد. (۸۲ - ۸۳)

و به سوی مردم مدّین برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای قوم! خدا را بپرستید. جز او برای شما معبودی نیست و در پیمانه و ترازو کم فروشی ننمائید. بی‌گمان من شما را در خوشی و رفاه می‌بینم و از عذاب روز قیامت بر شما بیمناکم! ای قوم! در کیل و ترازو عدالت را رعایت کنید. کم ندهید و در زمین فساد و تباهی ننمائید! و اگر واقعاً ایمان آورده‌اید بدانید که آن چه خدا برای شما باقی گذارد بهتر است^۲. و من نگاهبان شما از عذاب الهی نیستم!

قوم گفتند ای شعیب! آیا نماز تو به تو فرمان می‌دهد که، ترک عبادت آن چه را که پدرانمان می‌پرستیدند، به ما امر کنی یا از آن چه می‌خواهیم در اموال خویش انجام دهیم بازداردی؟ آیا به راستی تو بردبار و خردمندی؟! گفت ای قوم! چه بینید اگر بر من دلیل و حجتی از جانب پروردگارم باشد و او مرا از جانب خویش رزق و روزی نیکو عطا کند. من نمی‌خواهم با شما درباره آن چه شما را از آن نهی می‌کنم مخالفت نمایم و تا می‌توانم جز اخلاص مقصود دیگری ندارم. توفیق من جز از خدا نیست. بدو توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم! ای قوم! مخالفت با من شما را به گمراهی نیاندازد که همانند آن چه بر قوم نوح و قوم هود یا قوم صالح رسید بر شما هم برسد. قوم لوط از شما دور نیست! از پروردگارتان آمرزش بخواهید. به سوی او بازگردید و توبه کنید. همانا پروردگار من بخشاینده مهربان است. (۸۴ - ۹۰)

گفتند ای شعیب! بسیاری از آن چه را که تو می‌گوئی ما نمی‌فهمیم و تو را در میان خود ضعیف و ناتوان می‌بینیم و اگر ملاحظه قبیله‌ات نبود حتماً سنگسارت می‌کردیم و تو برای ما محترم و گرامی نیستی! گفت ای قوم! آیا قبیله من برای شما از خدا عزیزتر است

۱. مردان قوم لوط همچنسباز بودند و چون فرشته‌ها به صورتجوانان زیبا بودند آنها به طمع دسترسی به آنان به خانه لوط هجوم آوردند. لوط توان جلوگیری نداشت دختران خود را به آنها نشان داد و گفت برای دفع شهوت اینها مناسب‌ترند. مرا پیش مهمان‌ها شرم‌منده نکنید! ولی آنها گفتند ما رغبتی به دختران تو نداریم.

۲. یعنی آن چه با معامله صحیح باقی بماند بهتر است از آن چه با کم‌فروشی به دست آید.

که شما او را پشت سرتان گذاشتید؟ بی‌گمان پروردگار من به هر کاری که شما می‌کنید احاطه دارد! ای قوم! بر این وضع که دارید ادامه بدهید و من نیز هر آن چه را که وظیفه دارم انجام می‌دهم. به زودی دریابید که بر چه کسی عذاب می‌آید و او را رسوا می‌کند و چه کسی دروغگو است. منتظر باشید من نیز با شما در انتظار خواهم بود. (۹۱ - ۹۳)

و چون فرمان آمد شعیب و کسانی را که با وی ایمان آورده بودند با فضل و رحمت خویش نجات دادیم و ستمگاران را صیحه فرا گرفت. پس بامداد در خانه‌های خود مرده افتادند! گوئی که آنها اصلاً در آنجا مقیم نبودند. همانا مردم مدین را از رحمت خدا دوری باد چنان که مردم نمود از آن دور شدند! (۹۴ - ۹۵)

همانا موسی را با آیات و حجتی روشن فرستادیم. به سوی فرعون و بزرگان قوم او. اما آنها از امر فرعون پیروی کردند در حالی که فرعون رهنمون نبود! او در روز قیامت پیشوای قوم خود باشد و آنان را به آتش درآورد. و چه زشت است ورود در آن! آنها در این دنیا و برای آخرت لعنتی برای خویش فراهم کردند و چه بد است این عطای داده شده! (۹۶ - ۹۹)

این از خبرهای شهرها و آبادی‌ها است که (ای‌محمد) بر تو می‌خوانیم. بعضی از آن آبادی‌ها (هنوز) برپا است و بعضی هم چون کشت درو شده ویران گشته است! ما بر آنها ستم نکردیم ولیکن خودشان بر خویشتن ظلم نمودند و هنگامی که فرمان خدا آمد خدایانی که آنها به غیر از خدا می‌خواندند آنان را هیچ یاری نکرده بی‌نیاز نساختند و جز هلاکت بر آن نیافزودند! (۱۰۰ - ۱۰۱)

چنین است انتقام و کیفر پروردگارت. زمانی که خواهد بر مردم آبادی‌هایی که ستمکاری کردند کیفر دهد! به راستی که کیفر دادن او سخت دردناک است! بی‌گمان در این کیفر بدکاران، آیت عبرتی است بر کسی که از عذاب آخرت بترسد. آن، روزی است که در آن همه مردم گردآورده شوند و آن روز آشکاری است! و ما جز برای مدت معدودی آن را به تأخیر نیندازیم. در آن روز کسی جز به اذن و فرمان او سخن نگوید و از آن مردم برخی بدبخت و دیگرانی خوشبخت باشند! پس آنان را که بدبخت شدند در آتش ناله و فریاد باشد! تا آسمان‌ها و زمین پایدار است در آنجا ماندگارند. مگر آن چه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو آن چه را که خواهد عمل نماید! اما کسانی که خوشبخت شدند مادام که آسمان‌ها و زمین برجای است در بهشت جاودانه بمانند مگر آن چه پروردگارت بخواهد. به بخشش و عطای ابدی بنامقطوع. (۱۰۲ - ۱۰۸)

مبادا از آن چه آن گروه می‌پرستند در شک و تردید باشی. آنها جز به نحوی که پدرانشان از پیش عبادت می‌کردند پرستش ننمایند و بی‌گمان نصیب آنان را از (آتش) تمام دهیم! (۱۰۹)

و به تحقیق به موسی کتاب دادیم پس در آن اختلاف کردند و اگر سخن پروردگارت از پیش بر آن نرفته بود (که عذاب را تا روز قیامت به تأخیر اندازد) حتماً بین آنها حکم می‌شد که آنها درباره کتاب موسی (تورات) سخت در شگند! و بی‌گمان پروردگارت همه مردم را به سزای اعمال نیک و بدشان می‌رساند که او به همه اعمال خلق آگاه است. (۱۱۰ - ۱۱۱)

پس تو (ای‌رسول) استوار باش چنان که بدان دستور یافته‌ای. و کسانی که با تو به سوی خدا روی آورده‌اند (نیز استوار باشند). و سرکشی ننمایند که او بدان چه می‌کند بینا است! و به سوی کسانی که ستم کردند میل نکنید که در این صورت آتش شما را در خواهد گرفت و در آن حال جز خدا و دوستان و یاورانی نخواهید یافت و هرگز کسی شما را یاری

نخواهد کرد! در دو طرف روز (اول و آخر آن) و پاسی از شب نماز برپا دارید. به راستی که نیکی‌ها بدی‌ها را می‌برد و نابود می‌سازد. و این پندی است بر پند گیرندگان! و صبور باش که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نگرداند! و چرا در بین مردمان قرون پیش مردان خیرخواهی نبودند که مردم را از فساد در روی زمین بازدارند؟ مگر اندکی که ما از میان آنها نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم می‌کردند به دنبال چیزهائی رفتند که در آن کامرانی نمودند و آنها بزهکاران بودند! (۱۱۲ - ۱۱۶)

خدا هیچ قوم و مردمی را، که مصلح و نیکوکار باشند، به ظلم هلاک نمی‌نماید. و اگر مثبت او تعلق می‌گرفت مردم امت واحدی می‌بودند. اما آنها پیوسته در اختلافند! مگر آنهایی که پروردگارت بر آنان رحمت آورده و برای رحمت خلقشان کرده است. و سخن پروردگارت بر این رفته است که البته از کافران جنّ و انس دوزخ را پر سازم! (۱۱۷ - ۱۱۹)

ما از اخبار انبیاء همه را بر تو می‌خوانیم تا قلب تو را بدان قوی و استوار گردانیم. و حق و راه صواب بر تو روشن شود و مؤمنان را پند و اندرزی باشد. (۱۲۰)

(ایرسول) به آنان که ایمان نمی‌آورند بگو هر چه خواهید بر این حالت خود عمل کنید همانا ما نیز عمل کنندگانیم. منتظر باشید ما منتظرانیم. (۱۲۱ - ۱۲۲)

و غیب آسمان‌ها و زمین خاص خدا است و همهٔ امور عالم به او بازگردانده می‌شود. پس او را پرستش کن و بدو توکل بنما و (بدان که) پروردگارت از آنچه می‌کنید غافل نیست! (۱۲۳)